

مقایسه آوایی فارسی معیار و گویش بختیاری (گونه اردل) به کمک فرایندهای واجی

رضا عیدی

گویش بختیاری یکی از گویش‌های ایرانی جدید است که از جمله گویش‌های جنوب غربی ایران به‌شمار می‌رود. گویش بختیاری زیرشاخه‌ای از لری است. لری علاوه بر بختیاری شامل گویش‌های لکی، لرستانی، ممسنی و کهگیلویه می‌باشد. عمده صاحب‌نظران و مورخین بر این عقیده‌اند که در این گویش صورت‌های قدیمی خصوصاً پهلوی و فارسی دری قرون اولیه بعد از اسلام بسیار موجود است. زبان مردم بختیاری از اصیل‌ترین و دست‌نخورده‌ترین زبان‌های ایرانی است که ریشه آن پهلوی است؛ زیرا بر اثر موقعیت خاص جغرافیایی سرزمین بختیاری، پای بیگانگان کمتر به این منطقه رسیده و به‌همین سبب در طول چند قرن به‌طور معجزه‌آسایی از اختلاط و امتزاج با دیگر گویش‌ها و زبان‌ها محفوظ مانده است.^۱

بختیاری‌ها به لحاظ روحیه رزم‌آوری که داشتند، کمتر مورد هجوم بیگانگان واقع می‌شدند، به همین دلیل زبان و فرهنگ آنها تا حدودی حفظ گشته است. آقای حسین پژمان بختیاری در مورد نژاد و زبان بختیاری می‌نویسد:



«هنگامی که سرگرم تهیه و ترتیب دستور برای گویش بختیاری بودم دریافتم که پیوستگی آن لهجه با زبان پهلوی و اندکی با لسان پارسی باستان خیلی عمیق‌تر از گویش‌های دیگر ایران زمین است. از این رو مطمئن شدم که بختیاری‌ها یکی از کهنسال‌ترین اقوام آریایی هستند که توانسته‌اند قرن‌ها در پناه جبال سر به فلک کشیده و پوشیده از جنگل‌های انبوه استقلال‌گونه‌ای داشته و خود را از تعرض جهانگیران به‌ویژه بیگانگان حفظ کنند. به‌همین دلیل زبانشان تا حدی خالص، نژادشان تقریباً سالم، سنن و عاداتشان تحقیقاً محفوظ و حتی اشعارشان کاملاً برقرار پیشین باقی مانده، تابع افاعیل عروضی عرب نشده است پس باید اثر وجودی آنان در حوادث گوناگون و مسلسل تاریخ ایران خاصه قبل از اسلام در جایی ثبت شده باشد».^۲

آرنولد ویلسون به نقل از سرهنگ لریمر در مورد گویش بختیاری چنین می‌نویسد:

«لهجه بختیاری در واقع مشخصاً لهجه‌ای ایرانی است که بسیاری لغات پهلوی از آن حذف شده و برخی واژه‌های عربی و ترکی و کردی در آن وارد شده است. ... لهجه بختیاری به‌سبب طراوت و غناء مکالمات روزمره‌اش برای محققین زبان‌شناسی بسیار جالب توجه است».^۳

اگر واژه‌های قرضی وارد این گویش شده، چنان از نظر آوایی متحول گشته است که گویی واژه اصیل گویش است. به‌علاوه تشابهات بسیار زیادی می‌توان بین این گویش و صورت‌های قدیمی همچون فارسی باستان، میانه و دری قرون اولیه یافت که در زیر به چند نمونه اشاره می‌رود:

۱- در فارسی میانه گاهی شناسه اول شخص مفرد و یا ضمیر مفعولی و مضاف‌الیه به‌صورت /-om/ به‌کار می‌رفت.^۴ در بختیاری همواره چنین است:

/hušom/, /porsidom/, /konom/, /kerdom/, /monom/

۲- در بختیاری، وجه مضارع بدون «همی» یا «می» به‌کار می‌رفت. برای نمونه در ایرانی باستان فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد /gauba-ti/ «گوید» بوده و در فارسی میانه /-gow ed/ به‌کار برده می‌شد.^۵ در بختیاری نیز مضارع اخباری فاقد تکواژ وجه نمای «می» است.

۳- «شدن» /vovidan/ در گویش بختیاری صورتی از فعل «بودن» /bidan/ است. همچنان که در ایرانی باستان و میانه و دری «بودن» به‌معنی «شدن» هم به‌کار رفته است.^۶



- ۴- در گویش بختیاری گونه‌ای از واج /d/ با بسامد بالایی به کار می‌رود. این واج گونه /d/ دارای مختصه {+ پیوسته} است. در فارسی دری قرون اولیه و پهلوی نیز این واج گونه به کار رفته است. این گونه واجی بعد از واکه می‌آید. علی‌اشرف صادقی در توصیف آن چنین آورده است: «واج /ذ/ فارسی یک سایشی پشت دندانی ضعیف بوده که تقریباً از مخرج /د/ تلفظ می‌شد».^۷
- ۵- در پهلوی تلفظ /ž/ اصیل نیست و ظاهراً فقط در کلمات مأخوذ از پارسی دیده می‌شود.^۸ در گویش بختیاری نیز واج /ž/ وجود ندارد. کلمات «ژرف، ژاله، آژنگ، دژ و ...» اصالتاً پارسی هستند که در شاهنامه حکیم فردوسی نیز به کار رفته‌اند.^۹
- ۶- واژه‌های فارسی میانه که با /h/ آغاز می‌شدند و در فارسی به /x/ تبدیل شده‌اند، هنوز در بختیاری همچون فارسی میانه با /h/ شروع می‌شوند. مثال: /hemir/ خمیر، /hošk/ خشک و غیره. در این مقاله، به مقایسه آوایی فارسی معیار و گویش بختیاری از نظر تفاوت‌های آوایی در تولید برخی واژگان موجود در آن دو می‌پردازیم. صورت‌های به جای مانده عمدتاً صورت‌هایی هستند که در فارسی میانه و فارسی دری رواج داشتند. در جمع‌آوری نمونه‌های ارائه شده در این مقاله عمدتاً از گویشوران سالمند خواسته شده است تا به سؤالات گویشی جواب دهند و بنابراین من به ثبت و ضبط آنها پرداخته‌ام. پیش از شروع بحث اشاره‌ای کوتاه می‌شود به پیشینه تاریخی و سیاسی اردل.

موقعیت تاریخی - سیاسی اردل

اردل نام شهری است در سرزمین بختیاری که یکی از مراکز مهم حکومت سردسیر خوانین بختیار بوده است. ساکنان اردل را افراد طایفه هفت‌لنگ تشکیل می‌دهند. از سابقه تاریخی این منطقه، نوشته‌های بسیار اندکی موجود است. هرچه هست همان صحبت پیران و پیشینیان است که سینه به سینه به نسل کنونی رسیده است. مینورسکی در کتاب خویش به این منطقه اشاره‌ای دارد. وی در ذیل صفحه ۷۷ در توضیح این جمله که «والیان کردستان از خاندان اردلان و در سنه (سنندج) مقیم بودند، شروع حکومت این خاندان به زمان تیموریان می‌رسد» می‌نویسد:



«این نام خانوادگی (اردلان) باید ظاهراً از یک مقام و منصب ترکی گرفته شده باشد. یک آبادی از محال بختیاری را به نام اردل (به فتح اول و ثالث) می‌خوانند. در اصطلاح فارسی (به فتح و کسر ثالث) و اردال را ظاهراً بر نوعی آجودان خاص اطلاق می‌کنند».^{۱۰}

در سفرنامه‌ها بسیار نام اردل برده شده ولی منحصرأً به همین حد اکتفا شده و در باب موقعیت تاریخی و سابقه آن اشاره‌ای نشده است. اردل به لحاظ آب و هوای مطبوع و متنوعش همواره مورد تهاجم حکمرانان سایر نقاط واقع و چندین بار غارت شده است. برخی خوانین از اردل به‌عنوان پایگاهی برای مبارزه با حکومت مرکزی بهره می‌جستند و هر از گاهی پای قوای نظامی دولتی را به این منطقه می‌کشاندند.

در مورد وجه تسمیه اردل اقوال و روایات متعددی در میان مردم رواج دارد که به چند روایت متداول که بیشتر مردم بدان استناد می‌کنند، می‌پردازیم:

۱- عده‌ای را اعتقاد بر این است که در اصل اردل (به کسر دال) بوده است. با توجه به موقعیت طبیعی منطقه که دورنمای قلب و دل را دارا است، می‌گویند: اردل به‌معنای مانند دل و قلب است.^{۱۱}

۲- برخی دیگر معتقدند که اردلان نامی، به آن رونق و توسعه بخشیده و به اردل معروفیت یافته است (اردلان شاه یکی از پادشاهان ایران باستان بوده است).^{۱۲}

۳- در اصطلاحی فارسی اردل (به فتح و کسر ثالث) و اردال را ظاهراً بر نوعی آجودان خاص اطلاق می‌کنند. تصور اینکه این لغت از واژه «Orderly» انگلیسی مشتق گردیده است، چیزی جز فرض و خیال نیست.^{۱۳}

۴- برخی نیز نام این شهر را برگرفته از کلمه ترکی «اردل» به‌معنی پیش‌قراول و غلام می‌دانند و این به آن جهت است که زمانی شهر اردل در دست ترکان بلوردی بوده است اینان به فرمان سلاطین صفوی و برای مقابله با سرکشی سران ایل بختیاری به منطقه آورده شده‌اند.^{۱۴}



مقایسه آوایی

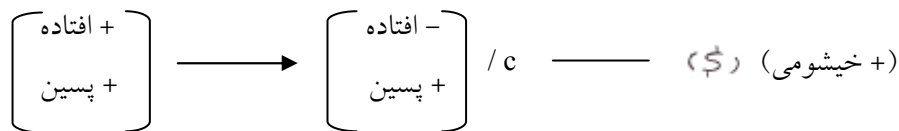
در این مقاله، برای رعایت اختصار سعی شده است که تعداد نمونه‌های مقایسه شده واژگان رایج در گویش بختیاری با گویش معیار به حداقل برسد؛ به این دلیل از هر نمونه به ذکر حداکثر چند واژه اکتفا می‌گردد. نمونه‌های بیشتر که گرد آمده، در فرصتی دیگر منتشر خواهد شد.

۱- ابدال

گاهی در زنجیره گفتار یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگر مبدل می‌شود بی‌آنکه بتوان برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی، ناهمگونی، هماهنگی واکه‌ای یا دیگر فرایندها توجیه یافت. (۱)

۱-۱ /ā/ فارسی قبل از صامت‌های خیشومی در بختیاری به صورت /o/ یا /u/ ظاهر

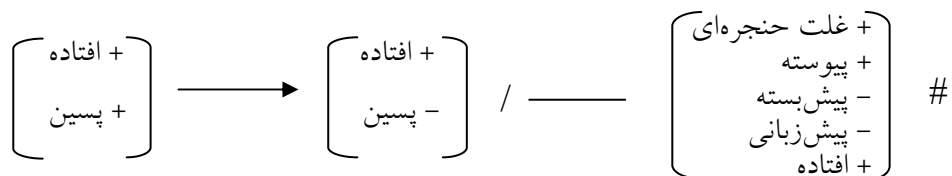
می‌گردد.



بختیاری	فارسی معیار	
/kemun/	/kamān/	کمان
/zuni/	/zānu/	زانو
/biyāvun/	/biyābān/	بیابان
/xom/	/xām/	خام

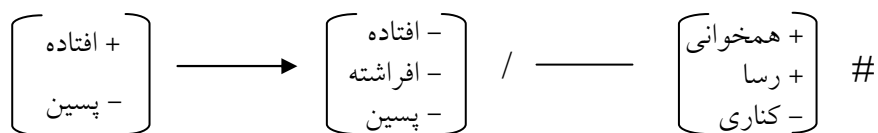


۱-۲ - /ā/ فارسی قبل از همخوان /h/ در موضع پایانی واژه در بختیاری به /a/ تبدیل می‌شود (در واقع فرایند پیشین‌شدگی صورت گرفته است). واج /h/ پایانی نیز حذف می‌گردد.



بختیاری	فارسی معیار	
/ka/	/kāh/	کاه
/kola/	/kolāh/	کلاه
/ra/	/rāh/	راه
/darga/	/dargāh/	درگاه

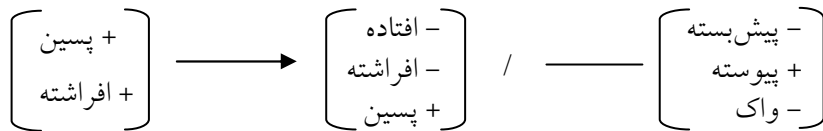
۱-۳ - /a/ فارسی قبل از همخوان‌های رسای غیرکناری (/m, n, r/) در بختیاری به /e/ تبدیل می‌شود.





بختیاری	فارسی معیار	
/əenār/	/əanār/	انار
/dendun/	/dandān/	دندان
/henā/	/hanā/	حنا
/pert/	/part/	پرت

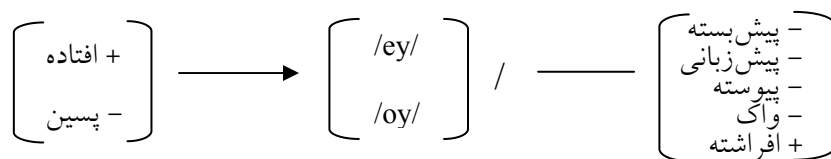
۴-۱- /u/ فارسی قبل از همخوان‌های /x, h, š/ در بختیاری به صورت /o/ نمود پیدا می‌کند.



بختیاری	فارسی معیار	
/koh/	/kuh/	کوه
/dodan/	/duxtan/	دوختن
/sodan/	/suxtan/	سوختن
/dodan/	/dušidan/	دوشیدن

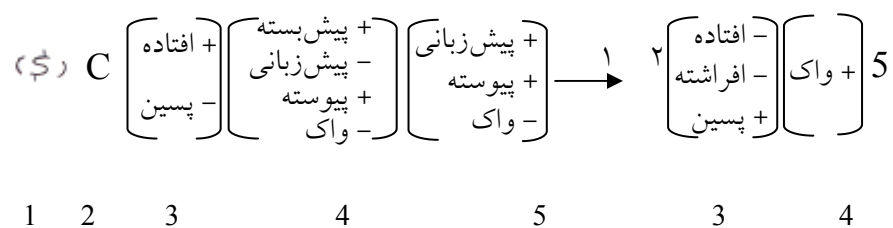
۵-۱- /a/ و /o/ قبل از همخوان /k/ در بختیاری به ترتیب به واکه مرکب /ey/ و /oy/ تبدیل

شده و همخوان /k/ حذف می‌گردد.



فارسی معیار	بختیاری	
/əaks/	/æeys/	عکس
/hokm/	/hoym/	حکم
/pokāndan/	/poynidan/	پکاندن
/takāndan/	/teynidan/	تکاندن

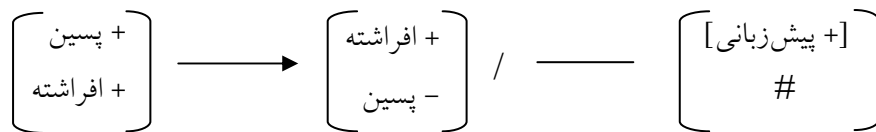
۶-۱- خوشه /af/ قبل از همخوان‌های /s/ و /š/ از نظر آواشناختی به واکه مرکب [ou] و از نظر واج‌شناختی به /o+v/ تبدیل می‌شود. در واقع /f/ که همخوان پیش بسته است به لحاظ اینکه بعد از واکه آمده به جفت واکدار خویش یعنی /v/ مبدل گشته است.





فارسی معیار	بختیاری
/banafš/	/benowš/
/kafš/	/kowš/
/darafš/	/derowš/
/karafs/	/kelows/

۷-۱- /u/ فارسی که واجد مشخصه [+پسین] است قبل از همخوان‌های پیش‌زبانی و یا در موضع پایانی واژه مختصه [+پسین] را از دست داده و در بختیاری واجد مختصه [-پسین] می‌گردد. در واقع واکه [+پسین] قبل از همخوان‌های پیش‌زبانی که [-پسین] هستند به واکه [-پسین] تبدیل می‌گردد (این تبدیل همگونی است و فرایند umlaut نیز صورت گرفته است).

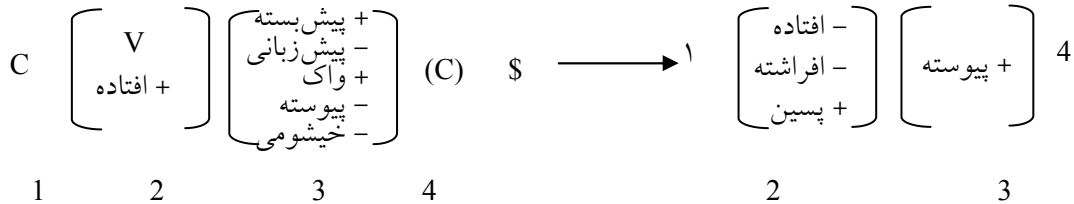


فارسی معیار	بختیاری
/hanuz/	/hani/
/surāx/	/silā/
/tule/	/tile/
/ru/	/ri/



۸-۱- هرگاه خوشه /āb/ یا /ab/ در یک هجا واقع شوند در بختیاری به /ow/ تبدیل

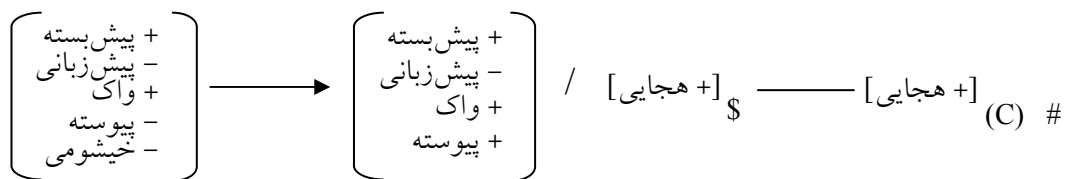
می‌شوند.



بختیاری	فارسی معیار	
/əow/	/əāb/	آب
/sowz/	/sabz/	سبز
/xow/	/xāb/	خواب
/sowr/	/sabr/	صبر

۹-۱- همخوان /b/ بین واکه‌ای که واکه قبل از آن در یک هجا و واکه بعد از آن در هجای

دیگر واقع شود در بختیاری به صورت /v/ پدیدار می‌گردد.

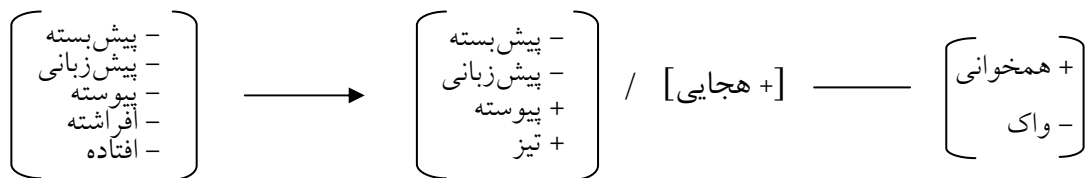




بختیاری	فارسی معیار	
/sevek/	/sabok/	سبک
/xevar/	/xabar/	خبر
/sārevun/	/sārebān/	ساربان
/sivil/	/sebil/	سبیل

۱-۱۰- همخوان /q/ قبل از همخوان‌های بیواک، واک خود را از دست داده و واجد مختصه

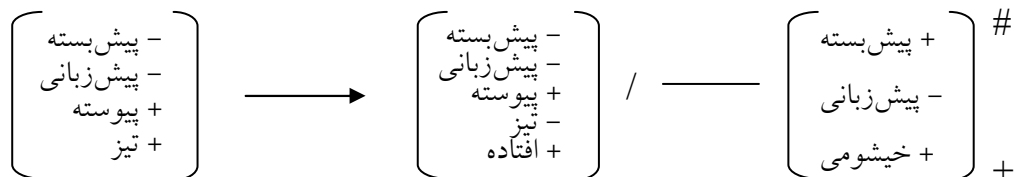
[+پیوسته] می‌شود و در بختیاری به /x/ تبدیل می‌شود.



بختیاری	فارسی معیار	
/raxs/	/raqs/	رقص
/vaxt/	/vaqt/	وقت
/noxte/	/noqte/	نقطه
/taxim/	/taqsim/	تقسیم



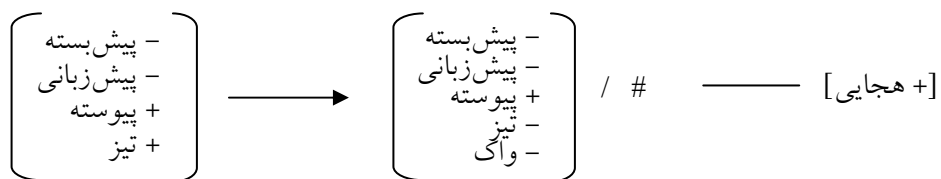
۱-۱۱- همخوان /x/ قبل از /m/ در هجای cvcc در بختیاری به /h/ مبدل می‌گردد.



بختیاری	فارسی معیار	
/tohm/	/toxm/	تخم
/šohm/	/šoxm/	شخم
/zahm/	/zaxm/	زخم
/lahm/	/laxm/	لخم

۱-۱۲- همخوان /x/ فارسی در آغاز واژه در بختیاری به /h/ تبدیل می‌شود. در فارسی میانه

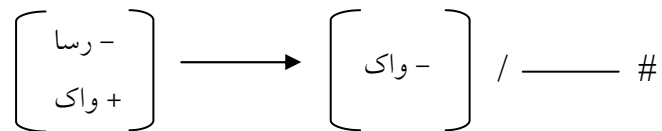
نیز /h/ به چشم می‌خورد.





فارسی معیار	بختیاری
/xāle/	/hāle/
/xord/	/hird/
/xamir/	/hemir/
/xonok/	/honok/

۱۳-۱- همخوان‌های واک‌دار فارسی در موضع پایانی واژه در بختیاری بی‌واک می‌گردد.

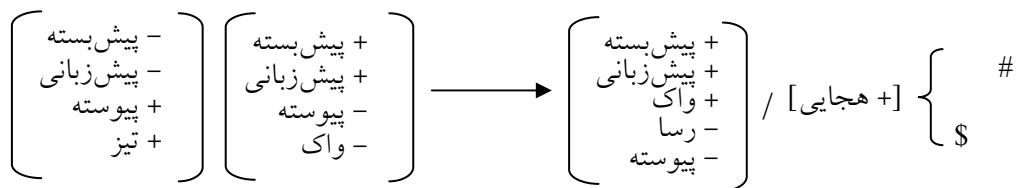


فارسی معیار	بختیاری
/əārd/	/əārt/
/noxod/	/noxot/
/tiq/	/tix/
/kud/	/kut/

۱۴-۱- خوشه همخوانی /xt/ در هجای CVCC موضع پایانی واژه و یا در مرز دو هجای

CV(C)-CV(C) در بختیاری به گونه‌ای از واج /d/ تغییر می‌یابد که این گونه واجی دارای مختصه [+]

پیوسته است.

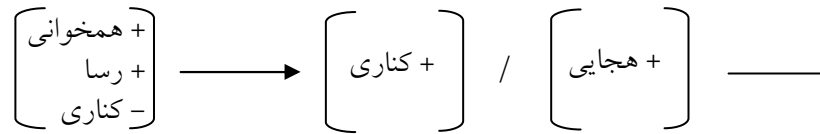


بختیاری	فارسی معیار	
/bed/[beð]	/bixt/	بیخت
/dodar/[doðar]	/doxtar/	دختر
/dod/[doð]	/doxt/	دوخت
/pod/[poð]	/pox/	پخت

۱۵-۱- در گویش بختیاری همخوان /ž/ فارسی وجود ندارد و واژه‌های فارسی متداول در این گویش به جای /ʒ/ از /j/ استفاده می‌کنند.

بختیاری	فارسی معیار	
/Jāle/	/žāle/	ژاله
/ʔoJdāhā/	/ʔoždehā/	اژدها
/maniJe/	/maniže/	منیژه
/Jā8999kat/	/žākat/	ژاکت

۱۶-۱- /r/ ماقبل واکه در بختیاری به /l/ تبدیل می‌گردد.

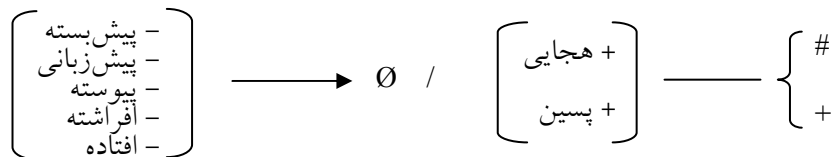


بختیاری	فارسی معیار	
/balg/	/barg/	برگ
/peleštuk/	/parastu/	پرستو
/palvār/	/parvār/	پروار
/šekāl/	/šekār/	شکار

۲- حذف

بعضی مواقع در زنجیره گفتار، یک واحد زنجیری و یا حتی یک گروه آوایی همچون هجا حذف می‌گردد.

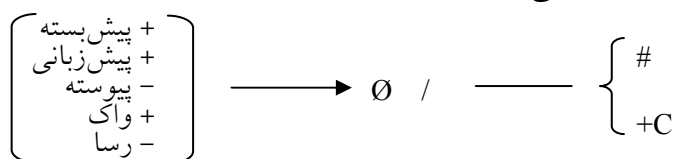
۲-۱- همخوان /q/ بعد از واکه‌های پسین در موضع پایانی واژه یا تکواژ در بختیاری حذف می‌گردد.





بختیاری	فارسی معیار	
/du/	/duq/	دوغ
/duru/	/duruq/	دروغ
/čerā/	/čerāq/	چراغ

۲-۲- همخوان /d/ در موضع پایانی واژه یا تکواژ حذف می‌گردد.



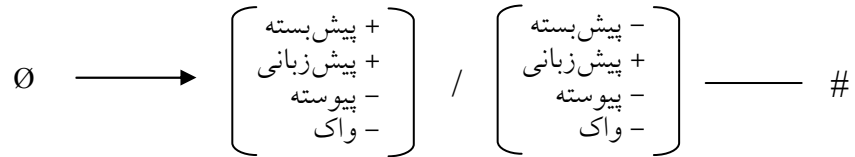
بختیاری	فارسی معیار	
/dumā/	/dāmād/	داماد
/mez/	/mozd/	مزد
/di/	/dud/	دود
/doz/	/dozd/	دزد

۳- اضافه

گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری، به زنجیره گفتار اضافه می‌شود. این فرایند نیز تابع نظام آوایی (واجی) زبان می‌گردد.

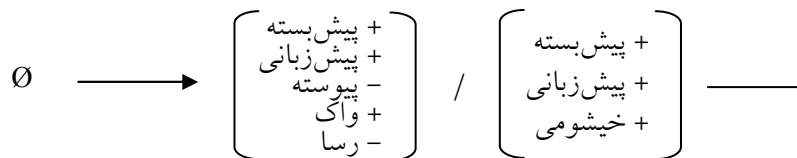


۱-۳- بعد از همخوان /š/ فارسی در بختیاری /t/ اضافه می‌گردد و خوشه /št/ پایانی می‌سازد.



بختیاری	فارسی معیار	
/əārašt/	/əārāyeš/	آرایش
/bālešt/	/bāleš/	بالش
/xāhešt/	/xāheš/	خواهش
/xārešt/	/xāreš/	خارش

۲-۳- در برخی واژه‌های فارسی بعد از واج /n/ در گویش بختیاری /d/ اضافه می‌گردد. واج /d/ از نظر تمام مشخصه‌ها (به جز مشخصه خیشومی) با واج /n/ مشترک است.





بختیاری	فارسی معیار	
/čendār/	/čenār/	چنار
/Jend/	/Jen/	جن
/šivand/	/šivan/	شیون
/send/	/sen/	سن

۴- قلب

گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند به طوری که همخوان اولی جای همخوان دومی و همخوان دومی جای همخوان اول می‌نشیند.

$$\left\{ \begin{array}{l} \# \\ 5 \end{array} \right.$$

1 2 3 4

بختیاری	فارسی معیار	
/norqe/	/noqre/	نقره
/ferk/	/fəkr/	فکر
/loft/	/lotf/	لطف
/keft/	/ketf/	کتف



۵- قلب و اضافه

در هجای CV آغازین برخی واژه‌های فارسی در بختیاری قلب صورت گرفته است و واکه به آغاز واژه می‌آید. از آنجایی که در زبان فارسی و گویش‌های آن، آغاز واژه و یا هجا ابتدا به ساکن با واکه شروع نمی‌شود، همخوان چاکنایی نیز اضافه می‌گردد. بنابراین هجای آغازین واژه در بختیاری به صورت CVC پدیدار می‌شود.

$$\# \left[\begin{array}{l} + \text{پیش‌زبانی} \\ + \text{پیوسته} \\ - \text{واک} \end{array} \right] [+ \text{هجایی}] \$ C \longrightarrow 1 \left[\begin{array}{l} + \text{غلت حنجره‌ای} \\ - \text{پیوسته} \\ - \text{پیش‌زبانی} \\ + \text{افتاده} \\ - \text{پیوسته} \end{array} \right] \begin{matrix} 5 \\ 4 \\ 2 \\ 3 \end{matrix}$$

بختیاری	فارسی معیار	
/æsbid/	/sefid/	سفید
/æškæm/	/šekam/	شکم
/æšmārd/	/šemord/	شمرد
/æāstāre/	/setāre/	ستاره

نتیجه

گویش‌ها که پاک‌ترین و دست‌نخورده‌ترین صورت‌های زبان هستند، بهترین معرف بستر و تمدن یک قوم و یا یک ملت هستند. ما از رهگذر مطالعه گویش بختیاری به پیشینه فرهنگ و تمدن بختیاری و به رابطه نزدیک این گویش با زبان‌های ایرانی باستان و میانه دست می‌یابیم. این رابطه را در نمونه‌های ارائه شده به‌وضوح می‌بینیم: واژه‌های ارائه شده در این مقاله که همگی با صورت‌های زبانی مشابه آنها در زبان فارسی معیار مقایسه شدند خود دلالت بر این امر دارد که



گوش بختیاری کمتر دستخوش تغییر و تحول گردیده و ارتباط بسیار نزدیک‌تری با نسل‌های پیشین زبانی خویش دارد.

به هر تقدیر، هرچه بیشتر در نظام و ساختار گوش بختیاری غور کنیم به شواهد و نظایر مستندتر و جذاب‌تری دست خواهیم یافت و به ارتباط بیشتر آن با صورت‌های قدیمی و کهن در زبان فارسی واقف می‌گردیم. امیدواریم که در آینده بتوانیم به بررسی عمیق‌تر این گوش و سایر گونه‌های آن پردازیم و از این رهگذر به اسرار نهفته در این گوش و گونه‌های آن و روابط نظام‌مند آنها با زبان‌های میانه و باستان دست یابیم.

علام اختصاری

* برخی از نشانه‌های به‌کار رفته عبارتند از:

()	اختیار
{ }	انتخاب آزاد
[]	آوا نویسی، گونه
/	در قواعد واجی نشانگر «محیط آوایی» است.
C	همخوان
V	واکه
∅	صفر
#	مرز واژه
+	مرز تکواژ
⋄	مرز هجا
-	عدم حضور مشخصه

پی‌نوشت‌ها

۱. افشار سیستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، جلد اول، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۶۶، ص ۱۴۹.
 ۲. پژمان بختیاری، حسین، بختیاری در گذشته دور، وحید، بهمن ۱۳۴۴، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۴۵.
 ۳. ویلسون، سر آرنولد، نشریه انجمن آسیای مرکزی، ژوئیه ۱۹۲۶، ص ۵۱-۵۰.
 ۴. صادقی، علی اشرف، تکوین زبان فارسی، تهران، دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۳۵.
 ۵. ابوالقاسمی، محسن، ماده‌های فعل‌های دری، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۳، ص ۱۸.
 ۶. همان، ص ۳۸-۳۹.
- Lorimer, M. D. L. R., *The Phonology of The Bakhtiari, Badakhshany, and Madaglashti dialects of Modern Persian*, London: Royal Asiatic society, 1992.



۷. صادقی، تکوین زبان فارسی، ص ۱۲۶.
۸. همان، ص ۱۲۲.
۹. همان، ص ۱۳۵.
۱۰. میرزا سمیعا، محمد سمیع، تذکره الملوک یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۷۷.
۱۱. دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری چهارمحال، بررسی اجمالی وجه تسمیه شهرها و آبادی‌ها، ۱۳۷۳، ص ۴۷.
۱۲. همان، ص ۴۷.
۱۳. میرزا سمیعا، تذکره الملوک ...، ص ۷۷.
۱۴. حوزه معاونت سیاست امنیتی استانداری چهارمحال، گزارش توجیهی اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری (شهرستان اردل)، ص ۱۴.

